

غذای روح

به همان اندازه که چایلوسی و تملق نشانه پستی می‌شوند است
قدردانی، از تربیت عالی شخص حکایت می‌کند

همانگونه که تملق‌گرایی و مذاحمی بیجا، زشت و ننگه‌دهنده است و پستی گوینده را میرساند، تشکر، قدردانی و تشویق عمیق انسانی و حاکی از سررگوارزی و شخصیت گویند آن می‌باشد.

گرچه افراد با شخصیت و کسانی که دارای روحیه‌ای بلند و مثبتی والا هستند هرگز نیازی به اظهار حقیقتی و قدردانی دیگران ندارند، زیرا آنان برای خودش آمد کسی، کاری را انجام نمی‌دهند، کارنیک و فضائل انسانی جزء حوی و سرشت آنان شده است و انجام آن‌ها وظیفه شخصی خویش میدانند که متأسفانه شماره ایشان بسیار نیست و غالب مردم آرزودارند که دیگران آنان را تشویق و مورد قدردانی و تحسین قرار دهند!

ولی باز همین افراد شایسته و انسان هستند که محبت‌ها و لطف دیگران را بی‌پاسخ نمی‌گذرانند و در مقابل کار پست‌دهنده و خدمات مردم، در صدد حقیقتی،

قدردانی و تمجید بر می‌آیند. این افراد بی شخصیت و پر نخوت هستند که به صفات شایسته و خدمات و زحمات دیگران بی اعتماد بوده خود را همیشه طلبکار مردم میدانند! وظیفه دیگران

را با برخوردی جاهلانه، نین می‌نمایند و وظیفه خود را همان فرور و نخوت شخص داده‌اند! آنان با رفتار خود به ارزشی خود احترام می‌نمایند، دکتر ساموئل به خوب گفته است:

«حقیقتی می‌دهد است که با تربیت صحیح پرورنده شده است و آنرا در میان افراد بی تربیت نمی‌توان یافت»

این افراد با اخلاق ننگه‌دهنده خود، جلوی خوبها و کارهای نیک مردم را می‌گیرند و برخی را از انجام خدمات انسانی پیشانی می‌کنند که در این مورد امام صادق (ع) فرمودند:

«نعم و فخرین غذای کسالتی با دکه جلوی کار»

نیک را می‌گیرند، آنان افرادی هستند که درباره ایشان کار خیری انجام داده می‌شود ولی آنان به گونه‌ای رفتار می‌کنند که طرف را پیشانی بکند، که دیگر هرگز کار خیرسی را در باره کسی انجام ندهد! (۱)

بزرگداشت زحمات دیگران، واحترام و ارزش قائل بودن به اعمال و آثار مردم غیر آنکس راه نیکو کاری را باز نموده دیگران را به انجام آن تشویق می‌کند علاوه بر گوارزی و شخصیت انسانی و این‌ها گوئی نماید، علی (ع) میفرماید: «کسی که در مقابل خدمت دیگری، به همان گونه عمل نماید، جبران کرده و پاداش داده است، و اگر بیش از آن

نیک کند آدم‌شاکر و بسیارگریز است و کسیکه از دیگران تشکر نماید شخصی ارجمند و بزرگوار است» (۲)

لازم است به این نکته توجه داشته باشیم که معمولاً انسان بیش از غذا به تشویق نیازمند می‌باشد شکفت اینها است که مردم، شرم دارند از این که به فرزندان یا کارگران خود غذا و خوراکی ندهند، در صورتی که کمبود غذای روحی و جسمی برای آنان خطرناک و محروم کردن آنان از این غذای روح پرورنده نماند تراست.

غذاهای مولد انرژی برای افراد لازم است ولی طعمی که مورد نیاز روح انسان و سخنان دل‌پذیر و آرامش‌بخشی که حیالان درازه چون نغمه‌های روح پرور آسانی و رضیر و خاطر دلسازنی و اثر خواهد

۱ - بحار الانوار ج ۷۵ ص ۴۳

۲ - مدرک نقل ص ۴۲

گذاشت لازم تر می‌باشد، چرا فرزندان یا افراد جامعه خود را از این غذای جانبخش بی‌ بهره و محروم سازیم!

چاپوسی و تشاگوئی بیجا، به منزله اختصار معنوی و موجب نابود ساختن شخصیت و از میان بردن «عزت نفس» می‌باشد ولی حقیقتی از یک عمل ستوده و تمجید و قدردانی از دیگران، دلیل و رگوارزی و تشکر و قدردانی صحیح و اندیشه سالم انسان است. به جای آنکه در مقابل مردم به باوه سرانسی پرداخته کلماتی بی مهربانی بگویم که حتی خود آنان هم به دروغگوئی و چاپوسی و دورونی مایی بزنند، چه شکوایستی که یکی از صفات پست‌دهنده یا یکی از کارهای اذیت‌دهنده و انسانی افراد را در پشته به همین جهت آثار مستانیم و از ایشان تقدیر و تشکر به عمل آوریم که در این صورت هم یدیک صفت انسانی و کارنیک احترام نهاده ایم و هم در نتیجه تقدیر و تشکر، عشق و علاقه به فضائل انسانی و احوال پست‌دهنده را در دل‌های مردم تقویت کرده ایم و بالاخره انسان بودن و افضلیت دوستی، خود را نیز ثابت نموده ایم.

برخی از افراد هستند که زانسان به نیشی زهر آگین تبدیل شده است حتی هنگامی که کار بسیار ارزنده‌ای را از کسی مشاهده نمایند و خوبی آنرا هم درک کنند یا منشی کاملاً انسانی از کسی سراغ داشته باشند، معذرت نک نه تنها آنرا نادیده بگیرند بلکه می‌گویند یا کمال نظوت آنها را کوچک و بی ارزش یا کم ارزش جلوه دهند، ایشان از مسیر صحیح کمال

علمی به ما داده اند.

رهبر آزادگان جهان حسین بن علی (ع) در آن داستان معروف چگونه از یک آموزگار لاین کار و شغل او فدردانی و تشویق نموده و چگونه ارتش دانش را به جهاییان ابلاغ فرموده اند؟

« ابو عبد الرحمن سلمی » که در مدینه معلم قرآن بود به یکی از کودکان آن حضرت ، سوره « حمد » را تعلیم نمود هنگامیکه کودک خدمت امام (ع) شرفیاب شد سوره را در حضور پدر خواند ، امام (ع) در مقابل این کار هدایای ارزنده به معلم داد و دهان او را پراز جواهر کرد که در شهر مدینه عده ای از مردم گوته بین و تنگه نظر ، برای زیسادی جازه سروصدائی بر پا کردند !

در مقابل احترام مردم باسحق فرمودند که او را درش علم و دانش و حق معلم را بیش از جایزه ها میرساند و فدردانی و تشکر از او و تشویق به تعلیم و تعلم در همه مراتب بیشتر از آن هدایا اعلام میداشت .

اطهار داشتند : **أَيُّ يَفْعُ مَا قَدَّمَهُ مِقَاتٌ**
أَعْلَى ؟ چیزی را که من به او تقدیم کردم کجا و آنچه را که او به کودک من عطا کرده است کجا ؟
در این پاسخ آن جایزه کلان را « انعام و خلعت » که معمولاً از طرف بزرگتران عطا میشود حساب نکرده اند بلکه « پیش کشی و تقدیمی » و هدیه ای ناچیز معرفی کرده اند و عمل آموزگار را « عطا و بخشش » که معمولاً از اجابه بزرگتران انجام میگیرد ، تعیین فرموده اند و با فرموده اند که تازه ارتش تقدیمی من کجا و بخشش و عطای او به فرزند من کجا !

منحرف گشته اند و اگر هم در نخستین برخوردها ظاهری فریبده داشته باشند کم خود را معرفی میکنند و مردم ، پستی و نخوت و جگرهای آنان را درک خواهند نمود . و از آنها فاصله خواهند گرفت . لازم است اگر به چنین صفت نگوئید و بسیاری خطر ناکی مبتلا هستیم ، آنرا شخصص دهم و هر چه زودتر در درمان آن بگوئیم تا بتوانیم دوستانی کسب کنیم و راه نفوذ در دلها را بیایم .

اگر بتوانیم در جامعه خود به جای نملگوئیها که هزاران خیانت و جنایت را به دنبال دارد روح تشویق و تقدیر و حقیقتی را بر انگیزیم در پیشرو هدفهای اخلاقی ، علمی و همه شئون سعادت بخش زندگی ، پرویز خواهیم شد .

اگر برای پیشرفتهای علمی و انسانی فدردانی و تشویقی در میان بود ، هم اکنون جای دانشمندان و مخترعین و مکتشفین ، و مهندسان و پرشکمان لاین راه ، رفاصها و دلقکها نگرفته بودند !

اگر خدمتگزاری و دلسوزی در فنون نویسدگی و نشر مطوعات سودمند ، مورد احترام و ارزش قرار می گرفت ، سوداگران و خائنکاران نمیتوانستند از طریق نشریات و مطبوعات نتگین ، ارزشهای انسانی و اجتماعی را از میان ببرد و مغز جوانان را بتخدر نماید . در تعالیم اسلام همانطور که دستور رسیده است

که روح پاک انسان نباید با چابلوسی و تملق آلوده گردد از طریق تشکر و تقدیر و حقیقتی از مردم و کارهای آنان ، اعمال و صفات پسندیده ، ترویج شده است و پیشوایان معصوم (ع) که خود نمونه کامل انسابت هستند در این مورد نیز سرمشغهای